

## رسانه رادیو و تلویزیون

چه خبر؟

### «زیرخاکي» رمضانی شد



با نزدیک شدن به ماه مبارك رمضان تكليف پخش برخی سریال ها مشخص شد. از جمله سریال «زیرخاکي» به کارگردانی جلیل سامان و به تهیه‌کنندگی رضا نصیری‌نیا که در ماه رمضان روی آنتن خواهد رفت. به گزارش جام‌جم، زیرخاکي که از ۴۰ مرداد ۹۸ کلید خورد، دومین همکاری سامان و نصیری‌نیا پس از سریال «نفس» است که رمضان ۹۶ از شبکه سه پخش شده بود. زیرخاکي دو فصل دارد و ساخت فصل دوم آن با شیوع ویروس کرونا در کشور و محدودیت‌هایی که پیش‌آمد همزمان شد و بخش‌هایی از این فصل ناتمام مانده است. به ویژه بخش‌هایی که بنا بود در خارج از کشور ساخته شود. این سریال در ۲۳ قسمت ساخته شده و بازیگران اصلی آن عبارتند از پژمان جمشیدی، ژاله صامتی، گوهر خیراندیش، نادر فلاح، ایرج سنجرى، امید روحانی، اصغر نقی‌زاده، رابزبگر خردسال رایان سرلك و با حضور هادی حجازی‌فر قصه این مجموعه درباره مردی است که دنبال زیرخاکي است و برای یافتن گنج درگیر ماجراهای هیجان‌انگیزی می‌شود.

## «بچه مهندس ۳»؛ ماه رمضان در شبکه ۲

فصل سوم سریال «بچه مهندس» به کارگردانی علی غفاری و تهیه‌کنندگی سعید سعدی در ماه رمضان روی آنتن شبکه دو خواهد رفت.

به گزارش جام جم، دو فصل این مجموعه که در ماه رمضان سال‌های گذشته پخش شد و مورد توجه مخاطبان گسترده‌ای هم قرار گرفت، گروه را بر آن داشت تا تولید فصل سوم را هم آغاز کنند. از این رو ساخت فصل سوم هم در اسفند سال گذشته به پایان رسید. این در حالی است که بخشی از کار همزمان با بیماری کرونا تولید شد و قرار است در ماه رمضان سال جاری از شبکه دو پخش شود. داستان سریال «بچه مهندس» در تاریخ معاصر و در سه فاز کودکی، نوجوانی و جوانی شخصیت اصلی یعنی جواد جوادى مطرح می‌شود.



روزبه حساری در این مجموعه نقش اصلی سریال را بازی می‌کند و در کنار او فرهاد قائمیان، ثریا قاسمی، کامران تفتی، اتابک نادری، سید مهرداد ضیایی، کاوه سماک باشی و برخی بازیگران فصل اول حضور دارند. لوکیشن‌های این سریال متنوع بوده و گروه تولید در مکان‌هایی مثل دانشگاه امیرکبیر، خوابگاه دانشگاه علامه طباطبایی و ... تصویربرداری سریال را انجام دادند. در فصل یک این سریال لوکیشن اصلی پرورشگاه (خانه خورشید) بود که در بوستان ولایت قرار داشت و شهرک دفاع مقدس، خیابان‌های تهران در دهه ۸۰ نیز از لوکیشن‌های این سریال در فصل ۲ بودند.

#### نگاهی به سیر تحول شخصیت‌های پایتخت در ۶ فصل

# داستان تغییر معمولی‌ها



سیدرضا صامتی

منتقد

«**ه**مین که نام كوچك سه شخصیت نقی، ارسطو و بهبود را بدون شرح و توضیح اضافه می‌آوریم و مطمئنیم خوانندگان این سطور آنها را می‌شناسند، خود گواه صادقی است که این شخصیت‌ها به چهره‌های ملی نمایشی بدل شده‌اند که هر فرد ایرانی آنها را به مثابه مشاهیر تلویزیونی می‌شناسند. شخصیت‌هایی که طی يك دهه در حافظه تصویری مخاطب چنان ثبت و ضبط شده‌اند و سمپاتی عاطفی با آنها برقرار کرده‌اند که گویی آنها شخصیت‌های واقعی هستند. گواه این مدعا این است که وقتی هر يك از شخصیت‌ها دست به كنش و رفتار و كلامی می‌زند که مخاطب دوست ندارد نسبت به آن منتقد و معترض شده و گویی خلاف انتظار او عمل کرده است. همه این موارد نشان می‌دهد این‌ها برخلاف نظر برخی که آن را مصداق تیپ‌سازی می‌دانند به شخصیت نزدیکند و از جمله دلایل این شخصیت بودن، تغییرات تدریجی آنهاست. همان مساله‌ای که قصد داریم در این یادداشت به آن بپردازیم.

### پسر خاله با معرفت

ارسطو عامل فقط پسر خاله نقی معمولی نیست، بلکه در کنار او يك زوج کم‌دی را هم شكل می‌دهند که بسیاری از سوبه‌های كميك قصه به كل كل‌های آنها ربط می‌یابد. ارسطو عامل هم مثل نقی معمولی در پایتخت يك، از سادگی بیشتری چه در کاراکترش و چه در ویژگی‌های شخصیتی‌اش برخوردار بود. هم جوان‌تر بود، هم عاشق پیشه که البته این دومی همچنان با او تا پایتخت ۶ همراه است. ارسطو را می‌توان نقش مکمل نقی معمولی هم دانست که در کنار او قوام یافته و بعدها به شخصیتی مستقل‌تر بدل شده.

«**۱. پایتخت؛ سادۀ، کم‌دعا و با معرفت:** او در فصل اول این سریال، خرده‌فرهنگ‌های يك راننده کامیون را هم با خود به همراه داشت که در نوع راه رفتن و حرف زدنش هم قابل ردیابی بود. همراهی او با خانواده معمولی و حمایت‌هایش از آنها ستایش برانگیز است هرچند گاهی به تنش‌های هم بین آنها منجر می‌شد. با این حال او غالباً در برابر نقی کوتاه می‌آمد و معرفت پسر خاله بودن خود را نشان می‌داد. لحن حرف زدن و تکیه کلام‌هایش مثل حساس نشو از جمله مولفه‌هایی است که به او هویت مستقل می‌بخشید و هر بار این تکیه‌کلام‌ها تغییر می‌کرد تا فدای تو بشم گرفته تا گل گفتن به آدم‌ها در پایتخت ۶. ارسطو عامل نسبت به نقی از شخصیت ساده‌تر و کم‌دعائری برخوردار بود و غالباً در برابر نقی ادعای فضل می‌کرد تا از او کم نیاورد.

«**۲. پایتخت ۲؛ عاشق، دنیا دیده و امروزی:** او وجوه بیشتری از منش‌های عاشق پیشگی خود را بروز داد و تا مرز اهدای کلیه برای جلب نظر طرف مقابلش پیش رفت. ظاهر او نیز طی قسمت‌های مختلف تغییر می‌کرد که از میل او به لاکچری بودن و امروزی بودن خبر می‌داد. او مثل رحمت لباس‌های رنگی و شاد می‌پوشید و خود را دنیا دیده‌تر از نقی می‌دانست. به همین دلیل كل كل‌های او با نقی در قسمت دوم و سوم بیشتر شد.

«**۳. پایتخت ۳؛ عاشق، جنتلمن و گل درشت:** در قسمت سوم ازدواج این شخصیت با چوچانگ زن چینی، او را در موقعیت پرچالشی قرار می‌دهد و اغراق‌های او نمایش شخصیتی جنتلمن از خودش بیشتر می‌شود و همین موضوع باعث می‌شود تا مخاطب او را در موقعیت دیگر ببیند.

«**۴. پایتخت ۴؛ مظلوم، پولدار و اهل پز:** در قسمت چهارم با مرگ چوچانگ چهره مظلوم‌تری از شخصیت ارسطو می‌بینیم که حالا در کنار نقی و در مقابل هما می‌ایستد. در قسمت چهارم بار دیگر كل كل‌های او با نقی بیشتر شده و بهتر شدن اوضاع مالی او که به راه‌اندازی يك بوتيك همراه می‌شود، جایگاه اقتصادی ارسطو را ارتقاء می‌دهد که تاثیر آن را در رفتار بیرونی و پزدادن‌هایش شاهدهیم.

«**۵. پایتخت ۵؛ عاشق، ناکام در ازدواج و خوش‌قلب:** او در پایتخت ۵ بار دیگر به يك زن انگلیسی دل می‌بندد و باز هم ناکام می‌ماند. اساساً ناکامی و شکست در ازدواج و فقدان شانس عاطفی از ویژگی‌های ارسطوست که همواره با خوش قلبی و پاکدستی به عنوان خصلت‌های اخلاقی‌اش همراه است. به همین دلیل تغییر روش و منش و حتی ظاهر را در ارسطو می‌بینیم.

«**۶. پایتخت ۶؛ خلافکار، ضمحّت و خوش‌قلب:** منش و ظاهر ارسطو در پایتخت ۶ باعث می‌شود خیلی‌ها جا می‌خورند و حتی آن را پس می‌زنند. ارسطو در این قسمت زندان را تجربه کرده و شمایل آدم‌های خلافکار را به خود می‌گیرد. دیگر شفافیت و زلال بودگی قبل را ندارد و فردگرایی بیشتری در او دیده می‌شود. با این حال همچنان در پشت این ظاهر خشن و ضمحّت شده هنوز هم آن سادگی و خوش قلبی هویداست.

### شخصیت دوست‌داشتنی

بهبود فربیا برخلاف نقی و ارسطو، شخصیت ثابت و پایدار پایتخت نبود. در قسمت‌های دوم و سوم حضور داشته و بعد از غیبت در قسمت ۴ و ۵ شاهد بازگشت او در پایتخت ۶ هستیم.

«**۱. پایتخت ۲؛ سادۀ، شیرین و گل درشت:** بهبود نسبت به نقی و ارسطو از وجوه کمیک‌تری در تیپولوژی بیرونی‌اش برخوردار است و حتی به تیپ نزدیک‌تر است تا شخصیت. او هویت شغلی مشخصی دارد و به عنوان جنگلبان، شمایی از این موقعیت شغلی را در شخصیت فردی‌اش بازتولید می‌کند. از جمله کمی اغراق در خاطره‌گویی از مواجهه با حیوانات. اگرچه نقی معمولی به او حسادت می‌کند یا گاهی جدی‌اش نمی‌گیرد اما بهبود برای او احترام می‌گذارد گرچه جاهایی با او لجبازی هم می‌کند. شخصیت بهبود ترکیبی از سادگی و شیرینی است که لحن حرف زدن و فیزیک صورتش به خصوص حالت چشم‌هایش در این شخصیت پردازی به شدت موثر است.

«**۲. پایتخت ۳؛ تنهاجی، خانواده‌دوست و رقابت:** این شخصیت در این فصل از سریال کمی تهاجمی‌تر می‌شود و كل كل‌ها و رقابتش با نقی دست‌کم در جدال‌های کلامی بیشتر می‌شود. بهبود البته مردی زن دوست است و برای فهمیه احترام خاصی قائل است. گاهی از او حساب می‌برد و گاهی بر او سطله دارد. اوست که نقی و خانواده‌اش را در زمان آوارگی و بی‌خانمانی در خانه‌اش پناه می‌دهد، هرچند نقی در خانه داماد بودن را ننگی بزرگ می‌داند.

«**۳. پایتخت ۶؛ اسپین، شیرین و بیمار(سندرم دست بی‌قرار)؛** با توجه به وقفه‌ای که در دو قسمت با عدم حضور بهبود رخ می‌دهد شخصیت او مثل بقیه آدم‌های پایتخت از روند تکاملی و تحولی چندانی برخوردار نیست. اگرچه با بازگشتش در پایتخت ۶ و اتفاقات عجیب و غریبی که برای او افتاده از جمله سندرم دست بی‌قرار، شاهد شخصیت متفاوتی از بهبود هستیم. او کمی عصبی و هیجانی‌تر شده و حتی در جاهایی غیرقابل پیش‌بینی و ترسناك می‌شود. بیماری‌اش اعتماد به نفس او را گرفته و عدم توانایی‌اش در ارتباط با پسرش بهتاش او را ضعیف کرده. بهبود فربیا در پایتخت ۶ به شخصیتی منفعل بدل می‌شود، اما همچنان مثل دیگر شخصیت‌های قصه دوست‌داشتنی است. شخصیت‌هایی که همه عوض شدند، اما عوضی نشدند!

لات و خروس باز بود و بعدها به لحاظ اقتصادی

پیشرفت کرد و به رحمت‌شاسی معروف شد. رحمت در فصل‌های ۵ و ۶ درگیر ماجرای عاطفی با فهمیه می‌شود. در فصل ۶ و بعد از بازگشت بهبود شخصیت رحمت نماد یک مرد نجیب ایرانی هم هست که فهمیه را «آچی» صدا می‌کند. فرزندش را کتک می‌زند تا با نرجش او دوری میان‌شان بیشتر شود و با عجله و قبل از برگشت بهبود ازدواج می‌کند.

یکی از دوست‌داشتنی‌ترین شخصیت‌های این مجموعه فهمیه است که

### همیشه در مسیر تغییر

نقی معمولی قطعه‌مهم‌ترین شخصیت سریال پایتخت است نه به این دلیل که بازیگر آن، طراح و خالق اصلی این شخصیت است که نقش محوری او در پیشبرد داستان بیش از دیگران بوده‌او سرپرست خانواده‌ای است که داستان پایتخت، قصه و غصه آنهاست یا دست‌کم نقطه عزیمت و خاستگاه اصلی درام بوده. فامیلی نقی را نباید دست‌کم گرفت و صرفاً يك عنوان دانست. در پس این عنوان، مفاهیم و نگرشی نشانه‌شناسی شده‌و آن را به دالی بدل کرده که مدلولی مفهومی دارد و به شخصیتی از طبقه و اقشار عادی جامعه ارجاع می‌دهد. طبقه‌ای که طیف گسترده‌ای از اقشار اجتماعی را در برمی‌گیرد و در واقع نقی نمادی از توده مردم است که ما در زندگی روزمره و در کوچه و خیابان آنها را می‌بینیم و چه بسا خودمان هم از همان طبقه و طیف هستیم. نقی معمولی از پایتخت ا تا پایتخت ۶ گرچه هویت یگانه‌ای نداشته و از حیث نمایشی از زاگورد، دراماتیک خارج نشده اما به مثابه يك شخصیت واقعی د چار دگردیسی‌هایی شده که به خوانش اجمالی آن می‌پردازیم.

«**۱. پایتخت؛ سادۀ، محبوب و خانواده‌دوست:** معمولی‌ترین نقی پایتخت تاکنون بود و گرچه جسارت و جنگندگی کنونی را داشت، اما هنوز رگه‌هایی از سادگی و محبوب بودن او به عنوان يك فرد شهرستانی در شخصیتش مشهود بود. او واجد یکسری ویژگی‌ها و خصلت‌های فردی و ذاتی است که در همه قسمت‌های پایتخت در شخصیت او قابل ردیابی است. از جمله برخی پارادوکس‌های رفتاری مثل زورگویی و مهربان بودن توامان یا خانواده دوستی و تلاش و تقلا و ا براری صیانت و پیشرفت خانواده. احساس رهبری و هد فامیل بودن و البته لهجه شیرین مازندرانی‌اش که جزو ویژگی‌های ذاتی اوست. هویت شغلی نقی به عنوان يك گچکار در این قسمت نقشی در هویت فردی و شخصیت پردازی‌اش ندارد و او را بیشتر به عنوان يك مسافر که برای مهاجرت به تهران آمده می‌بینیم که درگیر ماجراهای دردسرساز می‌شود. از جمله ویژگی‌های مهم نقی معمولی که نقطه عزیمت آن در همین قسمت زده می‌شود احترام و علاقه شدید او به پدرش بابا پنجهلی است و مراقبت و مواظبت از او به طوری که وقتی پدرش در پارک گم می‌شود او به گریه می‌افتد. در کنار این ویژگی‌های شخصیتی باید عشق و علاقه او به همسرش هما را هم اضافه کرده که با تکیه کلام «همابابا» آن را برن افکنی می‌کند. احساساتی و هیجانی بودن او که هم زود جوش می‌آورد و هم زود پشیمان می‌شود را هم باید به خصلت‌های او اضافه کرد که در نهایت از او يك شخصیت جدی طنان می‌سازد.

«**۲. پایتخت ۲؛ رقابت، حسادت و دلسوز:** به دلیل حضور در يك گنبد و گلدسته‌سازی، هویت شغلی ملموس‌تری به خود می‌گیرد که البته چندان تجلی محیطی ندارد. او زود راهی سفری به جنوب می‌شود و باز هم به عنوان يك مسافر، او را در قرار و نشیب‌های سفری می‌بینیم. البته این بار سفر معنای سیال‌تری به خود می‌گیرد و قصه را به قصه‌ای جاده‌ای بدل می‌کند. از جمله تحولات اخلاقی و رفتاری مهمی که در شخصیت نقی در این قسمت شاهدیم حسادت‌های اوست که گاه تا مرز رفتارهای بچه‌گانه پیش می‌رود. رقابت او با پسر خاله‌اش ارسطو و حسادتش بر سر جایزه‌ای که در شرکت در يك مسابقه تلفنی در تلویزیونی نصیب آنها شده مصداق ا از این خصلت رفتاری است که در قسمت‌های بعد پایتخت هم تداوم داشته و گاه به اوج بیشتری می‌رسد. با حضور فهمیه و بهبود در این قسمت، ابعاد و جوانب دیگری از شخصیت نقی در ارتباط با آنها به عنوان خواهر و داماد خانواده بازنمایی می‌شود که از دلسوزی تا رقابت را در برمی‌گیرد. نقی فارغ از كل كل‌هایش با ارسطو که از همان سری اول شكل گرفته و بعدها بیشتر می‌شود نگران ارسطو هم سست و برای او دل می‌سوزاند که مصداقش را باید تلاش او برای منصرف کردن ارسطو از اهدای کلیه‌اش به دابی خانم فدوی (حسین محب‌اهری) جست و جو کرد.

«**۳. پایتخت ۳؛ ورزشکار حساس و عصبی:** با وجوه دیگری از شخصیت نقی معمولی آشنا می‌شویم که در هویت ورزشکاری او تجلی می‌یابد. او در این قسمت به عنوان يك کشتی‌گیر پیشکسوت ظاهر می‌شود و این موقعیت، حس رقابت و میل به قهرمان‌گرایی او را برجسته می‌کند. گرچه شکست‌هایی که در کشتی می‌خورد همچنین فروریختن خانه‌اش و بیکاری او، نقی را به فردی حساس و عصبی بدل کرده که به تنش او با اطرافیان هم منجر می‌شود. گرچه او را به عنوان فردی با اعتماد به نفس و جنگنده دیده بودیم اما حالا شاهد شکندگی در شخصیت او هستیم که اوج این شکندگی را می‌توان بر سر مزار مادرش و درد دل‌هایش با او ردیابی کرد. با این حال فرصت دوباره‌ای که برای او در مسابقات کشتی ایجاد می‌شود مقاومت و تلاش او برای کسب پیروزی را برانگیخته که موجب می‌شود با برجسته‌شدن اراده فردی در شخصیت او به يك قهرمان ورزشی بدل شود.

«**۴. پایتخت ۴؛ معترض، حسود و انتقام جو:** وجوه متفاوت‌تری از شخصیت نقی معمولی به تصویر کشیده می‌شود که برای خیلی از مخاطب ناخوشایند است و نسبت به آن انتقاد و اعتراض هم کردند. نقی در این قسمت به شدت به فردی حسود و بدجنس بدل شده که حس انتقام جویی در او اوج می‌گیرد به طوری که این بار در برابر همسرش هما قرار می‌گیرد. او که همواره در کنار و همراه هما بود حالا به دلیل برخی حسادت‌های مردانه نسبت به موقعیت شغلی همسرش که عضو شورای شهر شده به بهانه ساخت خانه‌ای غیر مجاز در برابر او قرار گرفته و خصلت‌های منفی او زیاد می‌شود به طوری که خیلی‌ها نقی معمولی پایتخت ۴ را دوست نداشته و نسبت به او منتقد بودند. گرچه در پایان این قسمت او نسبت به رفتارهایش نادم و پشیمان شده و به همان نقی قبلی برمی‌گردد.

«**۵. پایتخت ۵؛ حفاظت از خانواده، حامی قهرمان:** بار دیگر نقی معمولی و خانواده‌اش در موقعیت سفر قرار می‌گیرد که این بار سفر به ترکیه و در نهایت گرفتار شدن در دام داعش در خاک سوریه است. در این قسمت خالی‌بندی‌های نقی و اغراق‌های او درباره خودش بیشتر شده همچنین به شخصیتی آمر بدل می‌شود که این آمریت و تحکم کردن به ویژه در ارتباط با خواهرزاده‌اش بهتاش به اوج خود می‌رسد. پز دادن‌ها و منم منم کردن‌های نقی در این قسمت به ویژه در ارتباط با دوست کشتی‌گیر ترکش بیشتر شده و به تنش‌های کلامی با ارسطو و رحمت هم منجر می‌شود. اما در قسمت‌های پایانی و در مواجهه با داعش، شاهد وجوه قهرمانانه نقی هستیم که او اگرچه با دیدن خون د چار غش می‌شود اما وقتی پای حفظ زن و بچه‌اش که پیش می‌آید سینه سپر کرده و به نبرد با دشمن می‌رود. در واقع او از نقی معمولی به

نقی قهرمان بدل می‌شود.

«**۶. پایتخت ۶؛ ریاکار، متناقض و**

**حمایتگر:** با نقی معمولی میناسالی

مواجه می‌شویم که راننده نماینده مجلس شده و به دلیل موقعیت شغلی‌اش، درگیر ریاکاری و ظاهرسازی می‌شود و تلاش می‌کند تا با برجسته کردن حاجی شدنش از احترام اجتماعی و امتیازات شغلی بیشتری برخوردار شود. او شخصیتی چندگانه و متناقضی پیدا می‌کند و دیگر آن یکدستی و سادگی گذشته را ندارد. در واقع در پایتخت ۶ شاهد تغییر و تحولاتی در نقی معمولی هستیم که طی يك دهه و با توجه به تغییر و تحولاتی که در جامعه و فشارهای اقتصادی برساخته آن شكل گرفته، او نیز تغییر کرده اما همچنان همان جسور بودن، ریسك پذیری، خانواده دوستی و نقش حمایتگرانه‌اش را دارد. گرچه از حیث موقعیت شغلی و اجتماعی کمی غیر معمولی شده اما همچنان نقی معمولی است.



نداشتند، اما از آنجا که هر دو در شش فصل حضور داشتند، مردم روند بزرگ شدن آنها را دیدند و حال در فصل ششم نوجوانانی هستند که بدون اجازه

از والدین کارهای عجیب و غریب انجام می‌دهند.

**رحمان و رحیم:** پایتخت، دوقلوهای دیگری هم دارد به نام رحمان و رحیم که در ادامه ساخت فصل‌های دیگر سریال پایتخت به جمع بازیگران تحول شخصیتی آنها بود. در فصل پنجم شاهد دزدی این دو کاراکتر از یکی از اعضای خانواده بودیم و در فصل ششم بحث اعتیاد و بی‌احترامی به برادر بزرگ‌تر آنها باعث می‌شود تا الگوی صحیح از جوانان به واسطه این سریال به مخاطب ارائه نشود.